

## بررسی تطبیقی فرزند کشی در حقوق ایران و فقه امامیه و اهل سنت

الهه بارانی<sup>۱</sup>، سید عسکری حسینی مقدم<sup>۲</sup>، ابوالحسن شاکری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

<sup>۲</sup> عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

<sup>۳</sup> عضو هیئت‌علمی دانشگاه مازندران

### چکیده

مقاله مذکور به بررسی فقهی و حقوقی پدیده فرزند کشی در فقه امامیه و بررسی تطبیقی آن با فقه اهل سنت و حقوق ایران می‌پردازد، در فقه امامیه و اهل سنت و نیز قانون مجازات ایران پدر و جد پدری در قتل فرزند قصاص نمی‌شوند بلکه به تعزیر و پرداخت دیه محکوم می‌شوند. در قرآن آیه‌ای دال بر این حکم وجود ندارد بلکه روایات صحیح‌های وجود دارد که عدم قصاص پدر در قتل فرزند را تأیید می‌کند. حکم قتل عمد قصاص است ولی یکی از استثنائاتی که وجود دارد قتل فرزند توسط پدر است، در قانون مجازات ایران ماده ۳۰۱ به صراحت پدر و جد پدری را معاف از قصاص دانسته است، ولی این حکم معافیت از قصاص شامل مادر نمی‌شود که محل اشکال و اختلاف است و همچنین اینکه معافیت از قصاص پدر به خاطر رابطه ابوت وی بر فرزند است نه ولایت ایشان. رهبر حکومت اسلامی می‌تواند با توجه به مصلحت نظام و قوانین ثانویه حبس ابد برای قاتل درخواست نماید ولی حکم قصاص نمی‌تواند بدهد که این نیز با توجه به حقوق بشر امروزی جای سؤال دارد. فقه امامیه و اهل سنت بر اساس کتاب و روایات و کلمات فقها استناد شده است، اکثر فقها الحاق جد پدری به حکم معافیت را پذیرفته‌اند به اینصورت که هر کس عالماً و عامداً مرتکب قتل دیگری شود قصاص می‌شود مگر والد که در صورت قتل ولد خویش قصاص نمی‌شود که در اینجا منظور از والد پدر و پدر پدر و هرچه بالاتر رود که جد محسوب می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** مجازات، فرزند، قتل، حقوق ایران، فقه امامیه، فقه اهل سنت

## مقدمه

هر جرمی به تناسب خود دارای مجازاتی است مجازات قتل همواره به عنوان یک عامل تسلی دهنده بازماندگان مقتول مدنظر بوده است. مجازات قتل، قصاص و در مرحله خفیف تر آن، تبدیل قصاص به دیه می باشد که اولیاء دم اجرای آن را نسبت به قاتل خواستار می باشند. در بحث قصاص نفس اولیاء دم معمولاً نقش تعیین کننده ای در مورد مجازات قاتل دارند و با عفو ولی دم، قاتل زندگی خویش را ادامه داده و با عدم بخشش او زندگیش خاتمه پیدا می کند. معمولاً علقه و رابطه ای که میان پدر و مادر و فرزندان وجود دارد مانع هتک حریم جانی فرزندان از جانب والدین ایشان می شود لکن مواردی است که به ندرت اتفاق می افتد که مرتکب قتل، از اولیاء دم (پدر و مادر) است، یعنی حیات فرزند را کسانی از او سلب می کنند که خود عامل بوجود آوردن آن بوده اند و به عنوان سرپرست و ولی قانونی او محسوب می شوند بنابراین بر طبق فقه امامیه و فقه اهل سنت و نیز حقوق ایران که برگرفته از فقه امامیه می باشد حکم قصاص در مورد ایشان مانند سایرین نبوده و مورد دقت و مذاقه است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۰۱ مقرر می دارد: «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد» طبق این قانون پدر از حکم قصاص نفس مبرا شده و به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می شود که مجازات تعزیر از ۳ تا ۱۰ سال حبس می باشد.

## اهداف تحقیق

### هدف اصلی

بررسی عدم مجازات پدر و جد پدری در صورت قتل فرزند در فقه امامیه.

### اهداف فرعی

- ۱- بررسی عدم مجازات پدر و جد پدری در صورت قتل فرزند در فقه اهل سنت.
- ۲- بررسی تطبیقی مجازات مادر در صورت قتل فرزند در فقه امامیه و اهل سنت
- ۳- بررسی جرم فرزند کشی از دیدگاه قرآن و آیات و روایات.

## - سوالات تحقیق

### سؤال اصلی

آیا مادر هم به حکم معافیت از قصاص ملحق می شود؟

### سوالات فرعی

- ۱- آیا حکم معافیت از قصاص فقط شامل پدر و جد پدری شرعی می شود؟
- ۲- آیا معافیت از حکم قصاص ناشی از حق ولایت است یا ابوت؟
- ۳- آیا ولی امر و رهبر حکومت اسلامی می تواند حکم معافیت از قصاص را لغو کند؟

## - فرضیه های تحقیق

### فرضیه اصلی

منظور از والد در فقه امامیه و اهل سنت شامل مادر نمی شود.

## فرضیات فرعی

- ۱- حکم عدم قصاص شامل پدر طبیعی و غیر شرعی هم می‌شود زیرا این فرزند از پدر غیر شرعی خویش ارث می‌برد پس پدر از حق عدم قصاص هم برخوردار است.
- ۲- عدم قصاص ناشی از رابطه ابوت آنها بر فرزندان می‌باشند.
- ۳- مراجع تقلید نمی‌توانند اجرای قصاص پدر و جدپدری در خصوص قتل فرزند را منطبق با شرع اعلام کنند.

## روش تحقیق

تجزیه و تحلیل مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است. روش گرد آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای بوده و برای تهیه و جمع آوری مطالب از کلیه منابع موجود و قابل دسترسی در رابطه با موضوع مقاله از قبیل کتابها و مقالات فقهی، آیات قرآن کریم، احادیث و روایات منقول از ائمه معصومین (ع) نظریه‌های فقیهان اعم از اهل سنت و امامیه، مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با موضوع، استفاده خواهد شد. با توجه به کتابخانه ای بودن موضوع مقاله برای گرد آوری اطلاعات از کتاب ها، مقالات و نظرات فقها و حقوق دانان و سایر منابع فقهی - حقوقی معتبر استفاده خواهد شد.

## مفاهیم و تعاریف

### فرزند

منظور از فرزند در این بحث فرزند صلبی است و روابط پدر فرزندی ناشی از قرابت رضایی و یا پدر خواندگی را شامل نمی‌شود. بنابراین اگر کسی پسرخوانده خود را به قتل برساند قصاص خواهد شد. جنسیت فرزند، سن او و همچنین تساوی در دین نیز موثر در قضیه نبوده و صرف بودن رابطه پدری و فرزندی مانع قصاص خواهد بود اگر چه پدر کافر بوده و فرزند مسلمان خود را به قتل برساند. دوران جنینی طفل نیز احکام خاص خود را دارد. در قانون مدنی ایران و فقه اسلام طفل باید از رابطه مشروع به وجود آمده باشد تا فرزند قانونی محسوب شود و اگر طفلی از رابطه نامشروع زن و مردی متولد گردد با پدر و مادر طبیعی خود رابطه کامل حقوقی نخواهد داشت مثلاً طفلی حاصل از رابطه نامشروع و زنا هرچند از جهت حرمت نکاح مثل فرزند حاصل از نکاح صحیح است ولی از پدر و مادر طبیعی خود ارث نمی‌برد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸).

### قتل

درباره قتل گفته اند که سلب حیات از انسانی دیگر بصورت غیر قانونی. عمد در قتل زمانی حاصل می‌شود که شخص قاتل قصد انجام فعل مجرمانه را داشته باشد و همینطور قصد نتیجه ای را که از انجام فعل مجرمانه حاصل می‌شود. بنابراین قصد عنصر روانی قتل عمد را تشکیل می‌دهد. (اردبیلی، ۱۳۹۲).

مرتکب قتل عمدی که مجازات آن مرگ است احترام جان خود را از دست می‌دهد و اصطلاحاً مهدورالدم می‌شود.

### در حقوق ایران

قانون‌گذار در ماده ۳۰۱ ق.م.ا می‌گوید: "پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد".

تعزیری که به آن اشاره شده در ماده ۶۱۲ ق.م.ا فصل هفدهم جرایم علیه اشخاص و اطفال به شکل سه تا ده سال حبس تعزیری است: "هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می‌نماید".

### در فقه امامیه

در فقه امامیه به پدیده فرزندکشی اشاره شده و فقیهان پس از برشمردن شرایط قصاص، به شرط انتفاء ابوت در قصاص اشاره می‌نمایند. آنها معتقدند که بر اساس روایات صحیح‌السند و واضح‌الدلاله در صورتی که پدری فرزند خود را به قتل برساند، از قصاص معاف می‌شود و تنها مکلف به پرداخت دیه به ورثه مقتول، تعزیر و... می‌باشد و مستند این حکم را روایتی از امام جعفر صادق (علیه السلام) میدانند که می‌فرمایند: «لا یقتل الوالد بولده و...»

### در فقه اهل سنت

علمای اهل سنت نیز همچون فقه امامیه بر عدم قصاص پدر در قتل فرزند تاکید دارند و این حکم را از حدیث نبوی (ص) اتخاذ کرده اند که در جواب پسری که از ظلم پدرش شکایت داشت می‌فرماید: «انت و مالک لابیک». (کلینی، ۱۴۱۵).

### مبانی جرم فرزندکشی

ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است.» هم‌چنین ماده ۲۵۷ مقرر داشته: «قتل عمد موجب قصاص است...» بنابراین به طور کلی بر اساس مقررات فقه اسلامی و قانون مجازات اسلامی، مجازات اصلی جرم قتل عمد «قصاص» است منتهی بر اساس همان مقررات فقه اسلامی و قانون مجازات اسلامی، در برخی از مواقع، علی‌رغم این که قتل ارتكابی عمدی است مجازات قصاص ثابت نمی‌گردد. در واقع بر حکم کلی قصاص قتل عمدی استثنائاتی وارد می‌شود یا استثنائی خیلی بزرگ که در راه ثبوت قصاص وجود دارد «رابطه ی ابوت» بین قاتل و مقتول است. یعنی اگر پدری فرزند خود را بکشد به رقم احراز عمدی بودن جنایت مجازات پدر قصاص نخواهد بود بلکه در اینجا مجازات اصلی مشتمل بر پرداخت دیه و تعزیر است. این حکم بر اساس روایات اسلامی در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی منصوص گردیده است. البته این تنها موردی نیست که با احراز عمدی بودن جنایت نمی‌توان حکم به قصاص قاتل داد بلکه در موارد دیگر مانند برخی از صور عدم تساوی دین قاتل و مقتول هم به رغم عمدی بودن جنایت، مجازات قصاص ثابت نمی‌گردد. برای مثال چنانچه کافری عمداً یک مسلمان را به قتل برساند مجازات قصاص به لحاظ کافر بودن قاتل ثابت نمی‌گردد ولی آنچه در این تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد همان «رابطه ی ابوت» است که در ذیل به سه قسمت تقسیم شده اند که عبارتند از:

(۱) حرمت خون انسان (۲) کرامت انسان (۳) اعتقادات دینی و اسلامی. (صادق زاده، ۱۳۹۵).

### حرمت خون انسان

اصل اولی درباره انسان های دیگر احترام به خون آن ها و حفظ حیات همگان است و حیاتی که انسان مانند هر موجود زنده دیگری دارد حق اوست و دیگران باید این حق را محترم بشمارند و حفظ کنند. به همین جهت در ماده دو اعلامیه اسلامی

حقوق بشر آمده است: زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسان تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومت ها واجب است که از این حق حمایت و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی جایز نیست. در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آمده است که هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت دارد. قرآن کریم احیای یک انسان را حیات همه و مرگ و قتل یک انسان را کشتن همه می داند و می فرماید: « من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً » (مائده، ۴۵۱) (هر کس انسان را بدون ارتکاب قتل و بدون فساد در روی زمین به قتل برساند گویی همه انسان ها را کشته است و کسی که انسانی را از مرگ نجات دهد گویا همه انسان ها را از مرگ نجات داده است).

بر اساس این آیه اهمیت حیات و مرگ یک انسان از نظر قرآن کاملاً آشکار می شود، که حیات یک انسان همانند حیات همه انسان ها و مرگ یک انسان هم مرگ همه انسان هاست. به عنوان نمونه به تعدادی از آیات قرآن که در آن به قصاص نفس تاکید زیادی شده است اشاره میکنیم:

### مائده، آیه ۳۲

« من أجل کتبنا علی بنی اسرائیل أنه من قتل نفساً بغير نفس أو فساد فی الارض فکماناً قتل الناس جميعاً و من أحيها فکأنما أحي الناس جميعاً »

« برای این بر بنی اسرائیل نوشتیم که هرکسی دیگری را بکشد - نه در برابر قتل کسی یا تبهکاری در زمین - مانند آن است که همه مردم را بکشد و آن کسی که او را زنده کند، گویا همه مردم را زنده ساخته است. »

از دیدگاه آیه شریفه، کشتن نابحق فرزند از سوی پدر و مادر، گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازاتی بسیار سنگین بوده و در نزد خداوند به منزله کشتن همه مردم است. از دیدگاه الهی مقتول اگر چه فرزند قاتل است، لکن از حق حیاتی مساوی با پدر یا مادر خود برخوردار بوده و قاتل با این اقدام خود تنها فرزند خود را به قتل نرسانده است، بلکه حرمت انسانها را هتک نموده و به عبارتی امنیت جانی را از همگان سلب کرده است.

بدیهی است پدر یا مادر با کشتن فرزند خود غضب و عذاب بزرگی را به سوی خود جلب می کنند و بر اساس آیه شریفه فوق کشتن همه انسانها و فرزند هر دو به طور یکسان عامل غضب و عذاب بزرگ الهی هستند؛ اگر چه از نظر کیفیت فرق می کنند. بنابراین بر اساس آیه شریفه فوق کشتن نابحق فرزند نه تنها گناهی بزرگ، ممنوع و حرام است بلکه مستوجب کیفر و مجازاتی بسیار سنگین می باشد.

### بقره، آیه ۱۷۸

« یا ایها الذین امنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الاثنی بالاثنی فممن عفی له من اخیه شی فاتباع بالمعروف و اداء الیه باحسان ذلک تخفیف من ربکم و رحمه فمن اعتدی بعد ذالک فله عذاب الیم. »

« ای گروه مومنان! بر شما قصاص (خونخواهی) در مورد کشتگان واجب شده است. آزاد در برابر آزاد و بنده در برابر بنده، و زن در برابر زن و آن کس که به او از برادرش چیزی بخشیده شده است پس به خوبی پیروی کند و به نیکویی به او بپردازد این حکم کاهش و رحمتی از جانب پروردگار شماست، پس آن کسی که پس از این تعدی کند برای او عذابی دردناک است. »

### بقره، آیه ۱۷۹

« ولکم فی اقصاص حیوه یا اولی الالباب لعلکم تتقون »

« و برای شما در قصاص (خون خواستن) زندگی است، ای خردمندان! شاید پرهیزکاری کنید. »

قالبی نو آن را مورد تاکید قرار می دهد.

همچنین آیه شریفه به نحو بارزی درصدد بیان مزیت قصاص بر عفو است. عفو هرچند که تخفیف و رحمت است، لکن این تخفیف نسبت به قاتل و به مصلحت اوست، در حالی که آنچه اهمیت وافری در نزد قانونگذار الهی دارد، تامین مصلحت عموم است که تنها با قصاص تامین می شود. قصاص است که حیات انسانها را ضمانت می کند، نه عفو کردن و دیه گرفتن.

### اسراء آیه ۳۳

« ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً »

« و نفسی را که خدا حرام کرد (محترم داشت) جز به حق نکشید و کسی که به ستم کشته شود، برای خونخواهی او فرمانروایی قرار دادیم که باید در کشتار فزون نرود بدانید که او پیروز است. »

همچنانکه در ذیل آیات پیشین بیان شد نفس آدمی در نزد خالق انسانها از آنچنان احترام و جایگاه شایسته ای برخوردار است که قتل یک نفر را به مثابه قتل همگان می داند بر این اساس قتل فرزند توسط پدر و مادر ممنوع می باشد ولی اگر فرزند از گروه محاربان فسادگر باشد و با توجه به نقش دادگاه به خاطر محاربه از سوی پدر یا مادر به قتل برسد در این صورت قتل فرزند مجازاتی را در پی نخواهد داشت. (رسولی، ۱۳۹۸).

### بررسی جرم فرزند کشی در حقوق ایران

قانون گذار اسلامی بر مبنای روایات معتبر و صحیحه وارده از معصومین علیهما السلام و به پیروی از آرای فقهای شیعه و اغلب فقهای اهل تسنن در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: « پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود... » البته این به معنای مصون بودن پدر از تعقیب کیفری نیست، اداره حقوقی قوه قضائیه هم بیان کرده است « اقدامات والدین و... به منظور تادیب یا محافظت اطفال جرم نیست، مشروط به اینکه در حدود متعارف تادیب و محافظت باشد و نیز برابر ماده ۱۶ قانون حدود و قصاص پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد فقط به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول محکوم و تعزیر می شود. بنابراین به موجب این دو ماده چنانچه پدری فرزند خود را به قتل برساند قابل تعقیب کیفری می باشد... »

نکته دیگر در ماده ۳۰۱ ق.م.ا این است که، بر اساس اطلاق ماده مزبور «صرف رابطه ابوت» مانع ثبوت قصاص است و هیچ چیز دیگر نمی تواند باعث شود که در صورت قتل فرزند توسط پدر او را قصاص کرد، بنابراین حتی اگر پدر کافر هم باشد و فرزند مسلمان خود را به قتل برساند باز هم قصاص کردن پدر منتفی است دلیل این امر هم آن است که در اینجا مقتضی منع قصاص یعنی رابطه ابوت موجود بوده و علاوه بر آن اصل، عدم اشتراط امری دیگر مانند مسلمان بودن قاتل است.

به نظر ما برای تعیین میزان مجازات تعزیری پدر در صورت قتل فرزند میتوان به ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی عنایت کرد، وفق ماده مزبور « هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب با دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می نماید» بنابراین در مواردیکه پدری فرزند خود را می کشد چون قصاص

در مورد او ساقط خواهد بود، به استناد این قسمت ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی که «به هر علت قصاص نشود» قاضی باید پدر را به حبس از سه تا ده سال محکوم نماید. این تفسیر این حسن را دارد که اختیارات قاضی را در تعیین مجازات، محدود می نماید. (شامبیانی، ۱۳۹۶).

### اقسام فرزند کشی

فرزند کشی در حقوق ایران به دو قسمت تقسیم شده است که در ذیل به تعریف این دو مورد میپردازیم:

#### فرزند کشی عمدی

عمدی که مراد سلب ارادی حیات فرزند به وسیله والدین یا اجداد بالغ و عاقل می باشد

#### فرزند کشی غیر عمدی

سلب غیر ارادی حیات فرزند به وسیله والدین یا اجداد بالغ و عاقل را گویند. در فرزند کشی عمدی عنصر اراده نقش تعیین کننده ای دارد، به عبارتی در این فرزند کشی قاتل عالماً قصد کشتن فرزند را دارد ولی در فرزند کشی غیر عمدی قتل فرزند اتفاقی و ناخواسته است و ممکن است در اثر عوامل مختلف مثل تأدیب و... اتفاق بیفتد.

### تفاوت بچه کشی با فرزند کشی

در حقوق جزا اصطلاح بچه کشی نیز وجود دارد. بچه کشی اخص از فرزند کشی است. به عبارت دیگر رابطه فرزند کشی و بچه کشی رابطه عام و خاص مطلق است. بچه کشی عموماً به جرمی اطلاق می شود که در آن فرزند تازه متولد شده توسط مادر یا دیگر والدین طفل به قتل می رسد که در دنیا بچه های زیر یکسال با این جرم از بین می روند. عواملی همچون تولد ناخواسته، وضع نا بهنجار قاتل، شرایط ناخواسته به وجود آمده پس از تولد بچه در وقوع این جرم تأثیر بسزایی دارد. بچه کشی از قدیم الایام رایج بوده و رد پای آن را می توان در جاهلیت قبل از اسلام (قتل فرزند دختر تازه متولد شده توسط والدین) دنبال نمود. مجازات بچه کشی در قوانین کیفری ایران مشمول احکام کلی قتل می شود، چرا که قوانین خاص در این رابطه وجود ندارد، اما در کشورهای خارجی مجازات بچه کشی متفاوت است. اما سقط جنین همچنان متفاوت از فرزند کشی است. فرزند کشی جرمی است که بر قتل فرزند متولد شده و قابل زیست اطلاق می شود، اما سقط جنین بر جرمی اطلاق می شود که بر روی جنین متولد نشده، ولی قابل زیست در رحم اطلاق می شود. فرزند کشی شامل سقط جنین و بچه کشی می شود. به علاوه که قتل فرزندان بزرگسال را نیز در بر می گیرد. به عبارتی فرزند کشی جرمی که شامل جرم سقط جنین و بچه کشی نیز می شود. (کریمیان، ۱۳۹۳).

### عناصر تشکیل دهنده جرم فرزندکشی

در حقوق ایران جرم فرزند کشی دارای سه عنصر مادی، روانی و قانونی میباشد که با توجه به مهم بودن آنها در این تحقیق به ذکر آنها میپردازیم:

#### عنصر قانونی

قانونگذار در ماده ۳۰۱ ق.م.ا می گوید: "پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد". تعزیری که به آن اشاره شده در ماده ۶۱۲ ق.م.ا فصل هفدهم جرایم علیه اشخاص و اطفال به شکل سه تا ده سال حبس تعزیری است: "هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از

قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می نماید.<sup>۱۳۹۶</sup> (حسینی، ۱۳۹۶).

### عنصر مادی

مرتکبین این جرم در پدر و مادر و جد پدری عاقل و بالغ و مختار منحصر می گردند که عمل آنان قتل عمدی یا سلب حیات ظالمانه موضوع جرم یعنی فرزند دارای حیات است. قتل فرزندخوانده و فرزند رضایی چون از صلب پدر نیستند فرزندکشی محسوب نمی شود ولی فرزند حاصل از زنا را بنا بر قاعده درء می توان مشمول قانون ماده ۳۰۱ ق.م.ا قرارداد. (کریمی، ۱۳۹۷).

### عنصر روانی

برای تحقق جرم فرزندکشی شخصی قاتل باید قصد انجام فعل را داشته باشد و نیز قصدش از انجام فعل مزبور قتل باشد و همینطور فردی را که به قتل رسانده همانی باشد که از ابتدا قصد کشتن او را داشته.

### عنصر مادی جرم فرزند کشی

عنصر مادی فرزند کشی دارای دورکن است:

اول - وجود فرزند زنده

دوم - فعل پدر

### وجود فرزند زنده

گفته شد قتل «سلب حیات» است و لازمه سلب حیات وجود قبلی یک مجنی علیه و انسانی زنده است. اعم از اینکه انسان مزبور زن باشد یا مرد، فرزند قاتل باشد یا غریبه، کودک باشد یا بزرگسال، سالم باشد یا بیمار. وجود حیات انسانی دارای آغاز و فرجام است. آغاز وجود ظاهراً از تاریخ تولد و پایان آن به مرگ طبیعی و یا غیر آن است، گرچه نمی توان منکر شد که «جنین» از تاریخ انعقاد نطفه دارای حیات و نوعی از شخصیت است و در حقوق جزای اسلام جنین نیز از حمایت کامل برخوردار بوده و ارتکاب جنایت و سقط جنین مستوجب مجازاتهای گوناگون خواهد بود که در مباحث جداگانه به آن پرداخته می شود. این نکته قابل ذکر است که در قانون جزای اسلام و قوانین فعلی جهان، سقط جنین را به عنوان قتل عمدی مجازات نمی کنند. بنابراین در تحقق جرم «فرزند کشی» وجود حیات وی در خارج از رحم مادر و در لحظه وقوع این جرم از شرایط حتمی و لازم است. البته نباید «جنین» و «سقط جنین» را با «فرزند کشی» یکسان دانست زیرا فرزند مولودی است که دوران حیات جنینی و قابل زیست را پشت سر گذاشته است و مانند هر انسان زنده ای قادر به ادامه حیات می باشد. بنابراین معیار شناسایی سقط جنین و فرزند کشی ناظر به زمانی است که بچه زنده به دنیا آمده باشد و آثار و علائم زنده بودن از قبیل حرکت دست و پا یا تنفس یا ضربان قلب یا صدای او را کسی دیده و شنیده باشد. به عبارت دیگر مدت زنده ماندن نوزاد و یا قابلیت زنده ماندن او شرط نیست. این مساله در قوانین جزایی کلیه کشورهای جهان مورد تاکید قرار گرفته است. چنانکه گذشت از عناصر لازم در تحقق جرم فرزند کشی، وجود فرزند زنده ای است که جانی (پدر) حیات وی را سلب کنند. نکته ای که باید روشن شود این است که «آغاز حیات» در چه دوره ای از مراحل تکوین آدمی بوده و از چه زمانی می توان انسان را دارای حیات دانست؟ از طرف دیگر مرگ دارای چه مفهومی بوده و آدمی چه هنگام مرده محسوب می گردد؟ تبیین این مساله اهمیت ویژه ای در شناخت وقوع جرم «فرزند کشی» دارد، زیرا غالباً در ساعات اولیه حیات نوزاد رخ می دهد. (صالحانی، ۱۳۹۸).



### فرزند کشی از طریق فعل

عنصر دوم فرزند کشی عمدی عمل قاتل (پدر) است. برای تحقق قتل عمدی فرزند، جانی (پدر) باید علاوه بر نیت قتل، فعلی در حد انتساب قتل مرتکب شود. به عبارت دیگر مجرد اندیشه مجرمانه و قصد قتل فرزند کفایت نمی کند، بلکه باید با انجام عملی، قتل انجام شود و آن فعل در ایجاد جنایت نقش داشته باشد. بنابراین اگر بعد از فعل غیر کشنده‌ای که اصولاً قابلیت ایجاد قتل را ندارد (همانند تنبیه مختصر) مرگ حادث شود، ضارب مسؤول شناخته نمی‌شود، زیرا احتمال اسناد جنایت به آن فعل حتی به طور نادر وجود ندارد. بنابراین جنبه ایجابی فعل پدر و مادر نقش اساسی در تحقق جرم عمدی فرزند کشی دارد. البته همچنان که در تبیین و تشریح «قتل عمد» گفته می شود، در مواردی که پدر یا مادر قصد صریح بر قتل فرزند یا فرزندان خود داشته باشند، دیگر ویژگی «غالباً کشنده بودن» فعل ارتكابی ضروری نبوده، بلکه به هر نحو و یا هر وسیله ای که جنایت صورت گیرد، قتل عمد محسوب می شود. به عبارت دیگر در صورتی که جانی قصد قتل داشته باشد، فعل ارتكابی هرچند در ایجاد جنایت صلاحیت نداشته باشد، عمل او قتل عمد محسوب می‌شود.

### فرزند کشی از طریق ترک فعل

گفته شد رکن مادی قتل عمد، وجود فعل مثبت و ایجابی است، لذا «ترک فعل»، جزئی از رکن مادی جنایت محسوب نمی شود. بر این مطلب اینگونه استدلال شده است که امر عدمی نمی تواند موجب امر وجودی گردد و هرگز وجود از عدم ناشی نمی شود. بنابراین اصل بر عدم ضمان و مسئولیت تارک فعل است. بر همین مبنا گفته شده است: «هرکس انسانی را در حال هلاکت ببیند و با قدرت وی بر نجات، اقدام به رهایی مهلک ننماید، هیچگونه ضمانی نخواهد داشت.» (الخوئی، ۱۳۴۲، ج ۲، ص ۱۶) همچنین شهید ثانی (ره) در مورد کشتی ای که مشرف به غرق شدن است معتقد است: «اگر آن کس که بر او لازم است اموال خود را برای سبک شدن کشتی به دریا بریزد، کوتاهی کند و نریزد، تا کشتی غرق شود، گناه کرده است، ولی ضامن نیست.» (جبعی عاملی، ۱۴۱۱ هـ ق، ج ۲، ۴۹۷). همچنین اگر صاحب طعام از اطعام مضطر خودداری کند تا وی هلاک شود هر چند از وی طلب غذا شده باشد ضامن نخواهد بود اما اگر صاحب مال از دستیابی مضطر، به طعامی که مستحق آن است، جلوگیری نماید و سبب هلاکت وی شود، ضامن است، زیرا در این صورت مرگ ناشی از فعل مالک طعام است و نه ترک فعل وی زیرا به وضوح اختلاف بین ترک اطعام گرسنه در حال اضطرار و منع وی از طعامی که در حال ضرورت حق اوست قابل درک است، بنابراین اگر پدر یا مادری از اطعام فرزند مضطر خودداری کند تا وی هلاک شود ضامن نخواهند بود، ولی اگر دستیابی او به طعامی که مستحق آن است، جلوگیری نمایند و سبب هلاکت و مرگ او شوند، ضامن خواهند بود. گفتنی است ضمان در حقوق جزای اسلامی علاوه بر دیه، حدود و قصاص را نیز شامل می شود. در هر حال اگر ممانعت از غذا از سوی والدین یا هر شخص دیگری در حال ضرورت با قصد قتل همراه باشد موجب قصاص خواهد بود. (رستمی، ۱۳۹۵).

### عنصر روانی جرم فرزند کشی

به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در جرایم عمدی از جمله قتل عمد محسوب می شود. به عبارت دیگر کیفیت رکن روانی به خوبی قتل عمد را از دیگر قتلها متمایز می کند و مواد ۲۹۰ و ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی نیز دلالت بر آن دارد. این رکن از چند عنصر اساسی تشکیل می شود که عبارتند از: قصد عام، قصد خاص، آگاهی جانی بر ممنوعیت فعل و نتایج مورد نظر،

امکان اسناد معنوی جنایت به اراده جانی. براین اساس لازم است در صورت وقوع فرزند کشی، جهت تشخیص نوع آن، عناصر فوق الذکر مورد بررسی قرار گیرد و به منظور احراز عمدی بودن آن باید قصد فعل و نتیجه احراز شود:

### آگاهی جانی بر کشته بودن فعل (علم قاتل)

بعضی از افعال نوعاً کشته است که در این صورت اگر «قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشته باشد، هرچند قصد کشتن شخص را نداشته باشد، قتل عمد محسوب می شود.<sup>۱</sup>» مانند اینکه «شخص به قصد صدمه رساندن بوسیله چوب برقسمتهای حساس بدن مانند سرضربه وارد کند و موجب مرگ شود، قتل عمد خواهد بود.<sup>۲</sup>» بعضی از اعمال و افعال گرچه نوعاً کشته نیست، لکن با توجه به شرایط جسمی و روحی مجنی علیه یا شرایط طبیعی زمان و مکان وقوع فعل می تواند کشته محسوب شود. (رستمی، ۱۳۹۵).

### قصد فعل

قصد فعل از اجزاء ضروری در تشخیص عمد است. مراد از عمد در فعل آن است که والدین به منظور دستیابی به نتیجه مجرمانه که همان قتل فرزند است، عمل موثر در وقوع جنایت را آگاهانه و با اختیار قصد کنند. بر این اساس اگر قبل از اجرای قصد، جنون بر والدین عارض شود و به سبب آن، قصد و اختیار از بین برود، در این صورت جنایت جانی عمد محسوب نمی شود؛ گرچه قبل از آن، قصد قتل مجنی علیه را داشته است. هم چنین لازم است جنایت به همان فعلی انجام پذیرد که مقصود جانی است و فعل نیز متوجه شخص مورد نظر جانی باشد. البته اگر جانی به طور مطلق قصد قتل فرزندان و جنایت را به هر نحو داشته باشد، در عمدی بودن جرم تردیدی نخواهد بود. بنابراین اگر پدر یا مادر با بکارگیری وسیله و انجام فعلی مشخص قصد قتل نمایند، لیکن جنایت به سبب دیگری واقع شود، چنانچه فعل موجب جنایت، در قصد سبب معین حتی به طور اجمال داخل باشد قتل عمدی خواهد بود، ولی اگر «فعل انجام شده»، هیچگونه ارتباطی با «فعل قصد شده» نداشته باشد، عمد محسوب نخواهد شد. به عنوان مثال اگر پدر یا مادری به طور مطلق قصد کشتن فرزند خود را داشته باشند و آنگاه قصد کنند که فرزندشان را با پرتاب کردن از بلندی بکشند، حال چنانچه فرزند در اثر ترس یا اصابت به زمین و یا به هر صورت دیگر کشته شود، عمل مذکور قتل عمد خواهد بود. زیرا والدین قصد جنایت را به طور مطلق داشته اند. ولی اگر آنان مثلاً قصد غرق کردن فرزند شیر خوارشان را داشته باشند و به همین خاطر او را به دریا بیفکنند، ولی قبل از رسیدن به آب، اتفاقاً به وسیله پرندگان وحشی کشته شود، (نجفی، ج ۱۰، ص ۲۴) و یا در همان مثال پس از پرتاب کردن فرزند و قبل از رسیدن به آب اتفاقاً با سیمهای فلزی یا سنگ و امثال آن برخورد کرده و کشته شود (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۵۱۳)، در این صورت هرچند قتل مستند به فعل آنان است، اما سبب قتل داخل در قصد تلف بوسیله پرتاب کردن در آب نبوده است و در نتیجه قتل عمد نبوده و محکوم به مجازات قتل عمد نخواهند شد.

<sup>۱</sup> - بند ب، ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی.

<sup>۲</sup> - رای شماره ۳۶/۳/۵/۶۴۱ هیات عمومی دیوانعالی کشور

### قصد شخص معین

علاوه بر لزوم قصد فعل، لازم است جانی به شخص مجنی علیه نیز توجه داشته باشد؛ یعنی فعل قصد شده والدین بر فرزند مورد نظر واقع شده باشد. در حقیقت قصد شخصی می تواند به طور معین یا غیر معین باشد. چنانکه بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «در مواردی که قاتل با انجام دادن کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را دارد، خواه آن کار نوعاً کشنده باشد، خواه نباشد، ولی در عمل سبب قتل شود». قصد شخص معین همانند آن است که والدین جانی، قصد جنایت بر یکی از فرزندان یا گروهی از آنان را به طور مشخص داشته و با فعل خویش موجب مرگ فرزندان مورد نظر خود شوند. ولی در قصد شخص به طور غیر معین، جانی قصد جنایت بر فرد یا افراد به خصوصی ندارد، بلکه به طور کلی درخواست وی وقوع جنایت نسبت به هر کسی است که فعل بر آن واقع شود. مانند اینکه شخص اقدام به تیراندازی به سوی جماعتی کند که اتفاقاً یکی از آنان فرزند اوست که در این تیراندازی کشته شده است و یا اینکه جماعت مذکور همگی فرزندان جانی باشند و جانی قصد تیراندازی و کشتن یک نفر از فرزندان را دارد؛ بدون آنکه فرزند معینی را قصد کرده باشد. (طالبی، ۱۳۹۴).

### قصد نتیجه

از دیگر عناصر اساسی در جنایات عمدی از جمله قتل عمدی فرزندان از سوی والدین «قصد خاص» یا «قصد مرگ» است. قانونگذار در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی با عبارت «قصد کشتن شخص» قصد خاص را مورد تاکید قرار داده است. «قصد نتیجه» ممکن است به یکی از دو صورت «قصد صریح و ابتدایی» و «قصد تبعی» محقق گردد. قصد صریح وقتی است که والدین به روشنی و بدون هیچگونه ابهامی و با صراحت قصد کشتن فرزند یا فرزندان خود را داشته باشد. در این صورت چگونگی انجام فعل ارتكابی و ویژگی های آلات و ابزار جنایت در نوع جرم موثر نبوده و در هر حال جنایت مذکور عمدی قلمداد می گردد. زیرا هر فعلی که با قصد قتل انجام گیرد، چه آن فعل کشنده باشد یا نباشد، ولی مجنی علیه در اثر آن کشته شود، قتل عمد محسوب می شود. مواد ۲۹۰ و ۲۷۱ قانون مجازات اسلامی به مجرد احراز قصد نتیجه، قصد قتل را در عمدی بودن عمل کافی می داند. (طالبی، ۱۳۹۴).

### بررسی مجازات فرزندکشی در حقوق ایران

شارع مقدس هیچ گاه مقصودش این نبوده که والدین مختارند تا هر وقت که بخواهند فرزندانشان را به قتل برسانند، بلکه همان طور که هیچ انسان عاقلی نمی پذیرد، پدر و مادری فرزند خود را در حالت سلامت روحی و بدون دلیل به قتل برسانند، شارع مقدس نیز که به عنوان رئیس عقلاء است، این نکته را مد نظر داشته است. او می دانسته که هیچ گاه پدر یا مادری جگر گوشه ی خود را که سالیانی را صرف پرورش و تربیت وی نموده، بدون دلیل و به عمد به قتل نمی رساند، بلکه شرایطی همچون ناراحتی های عصبی، مشکلات روحی و روانی و... دست به دست هم می دهند، موجب می شود که پدر و مادری فرزند خود را به قتل برسانند. اما شارع مقدس که همواره در آیات مختلف بر احترام به والدین و اطاعت از فرامین آنها تاکید نموده، از جنبه کاملاً الهی، حکمی خاص را بیان نموده و آن عدم قصاص والدین است. با این وجود آنها را از مجازات به نحو کلی معاف ننموده است. از جمله مجازات هایی که شارع مقدس برای والدین در صورت قتل فرزند خود تعیین نموده است، عبارتند از:

الف) پرداخت دیه ب) تعزیر

به چند روایت که به این مجازات‌ها اشاره نموده، می‌پردازیم:

#### دیه

دیه مالی است به سبب جنایت بر عضو یا نفس که به مجنی علیه یا به ولی یا اولیاء دم داده می‌شود (ماده ۲۹۴ قانون مدنی اسلامی). مواردی که شخص قاتل به پرداخت دیه است، در قسمتهای قبل آمده است. بنابر فتوای فقها، پدر در صورت قتل فرزند خود از قصاص معاف می‌شود ولیکن موظف به پرداخت دیه می‌باشد که میزان دیه در قوانین جزایی ذکر شده است. اما مجازات دیگری که شارع برای قاتل فرزند تعیین کرده، عدم ارث است. بر اساس قواعد موجود در باب ارث، قتل از موانع ارث است، لذا در صورتی که پدری فرزند خود را به قتل برساند، از دیه او ارث نمی‌برد. (ساداتی، ۱۳۹۶).

#### تعزیر

تادیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن توسط شارع مشخص نشده و به نظر حاکم (قاضی) واگذار شده است از قبیل حبس، جزای نقد. تعزیر شرعی شبیه مجازات نامعین عرفی است که چند نمونه آن در روایات جابر آمده است. اما به راستی که باید پدر و مادر در صورت قتل عمد فرزند خود به سختی مجازات شوند. به عبارتی از آنجایی که قاضی از اختیارات وسیع برخوردار است، باید با توجه به حالات قاتل و نوع قتل و تاثیر آن بر احساسات عمومی مجازات سنگینی وضع نماید.

#### مستندات قانونگذار در وضع ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی

ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مستند قرآنی ندارد یعنی هیچ آیه‌ای دال بر این که پدر در اثر قتل فرزندش قصاص نشود موجود نیست بلکه به عکس آیات فراوانی درباره تحریم قتل و اینکه قتل یک انسان برابر با قتل همه مردم است و حتی آیه نهی از فرزند کشی را می‌توان یافت. بنابراین قصاص یک حکم عام است و برای استثنائات آن باید نص خاصی وارد شده باشد لذا تکیه قانونگذار ما حتما بر احادیث و روایاتی بوده که در فقه اسلامی می‌توان آنها را یافت.

#### الف - حدیث نبوی " انت و مالک لابیک "

اولین و معتبرترین مستند فقهی که همه فقهاء به آن استناد کرده اند حدیث نبوی از پیامبر اکرم می‌باشد که ایشان در پاسخ به جوانی که از پدر پیر خود نزد رسول الله شکایت برده بود فرمودند: تو و اموالت متعلق به پدرت هستی.

#### ب- روایات

مستند دیگر روایتی از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: پدر برای قتل فرزندش قصاص نمی‌شود ولی پسر برای قتل پدر قصاص خواهد شد. و همینطور روایت جابر از امام باقر علیه السلام که در پاسخ به این سؤال که اگر پدری فرزندش را بکشد تکلیف چیست می‌فرماید: قاتل (پدر) را نمی‌کشند لیکن او را به شدت مضروب ساخته و از وطن و زادگاهش تبعید می‌کنند. از حدیث "انت و مالک لابیک" چنین استنباط می‌کنند که پیامبر فرزند را در ردیف اموال متعلق به پدر فرض کرده اند لذا همچنان که پدر حق دارد نسبت به اموال خود هرگونه تصرفی بنماید درباره فرزند نیز که جزئی از اموال او محسوب می‌شوند هرگونه حقی را خواهد داشت از جمله سلب حیات وی. آنچه که از عبارت لابیک بر می‌آید معنایی غیر از معنای مالکیت شرعی و حقوقی است و آن سلطه بر انتفاع است یعنی هریک از پدر و فرزند تا حد خاصی اذن در تصرف اموال یکدیگر دارند. در هر حال فقهای امامیه حدیث مذکور و روایات رسیده از امام محمد باقر و امام صادق علیه السلام را دلیل این که پدر را نباید برای قتل فرزند قصاص کرد می‌دانند. بر این اساس پدر و جد پدری هر قدر که بالا رود بواسطه کشتن فرزندش قصاص نمی‌شود بلکه تعزیر شده و کفاره می‌دهد و دیه بر او واجب می‌گردد (حافظی، ۱۳۹۳).

## نتیجه گیری

اگر چه فرزند کشی از نظر مجنی علیه اطلاق داشته و بدین واسطه نمی توان تنها کشتن کودکان را مشمول این عنوان دانست لیکن با توجه به اینکه کودکان از اقشار آسیب پذیر اجتماع بوده و وابسته به والدینشان محسوب می گردند لذا مصداق شایع فرزند کشی کشتن کودکان است و همین امر هم باعث اهمیت موضوع می گردد از نظر ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به آن ملحق گردیده است کودک نیازمند حمایت‌های قانونی است و دولتها باید ترتیبی اتخاذ کنند که به موجب آن هرگونه خشونت علیه کودکان را محدود و با آن مبارزه نمایند بدیهی است فرزند کشی را باید یکی از جنبه های خشونت خانگی علیه کودکان دانست که عمدتاً توسط نزدیک ترین اشخاص به طفل مانند والدین یا پدر بزرگ و مادر بزرگ اعمال می گردد. اما شاید دلیل عمده دیگر فرزند کشی را بتوان باز دارنده نبودن قانون در این زمینه دانست، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد». که بدین ترتیب ملاحظه می گردد که قتل عمدی فرزند توسط پدر یا پدر بزرگ پدری موجب قصاص نفس نیست و مجازات آن پرداخت دیه به ورثه مقتول و حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی است. بدین لحاظ هرچند در صورتی که قاتل مادر، یا مادر بزرگ یا پدر بزرگ مادری مقتول باشد به مجازات قتل عمدی که قصاص است محکوم خواهد شد. لیکن تحقیقات نشان داده است که اغلب فرزند کشی ها توسط پدران صورت می گیرد و مادران کمتر دست به ارتکاب قتل فرزندان خویش زده اند.

البته عدم قصاص پدر یا پدر بزرگ پدری به واسطه قتل فرزند یا نوه در ماده ۳۰۱ مستند به نصوص قرآنی نیست و اتفاقاً خداوند در آیه ۳۱ سوره اسراء فرزند کشی را نهی و اختصاصاً در آیه ۹ سوره تکویر و آیه ۵۹ سوره نمل نیز دختر کشی را منع و نهی نموده است لیکن مبنای شرعی ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی رعایت معروف «انت و مالک لابیک» می باشد که به موجب فقها در نصوص فقهی و شرعی آن را تفسیر به این امر کرده اند که فرزند و اموال او تعلق به پدر دارد و بر همین مبنا علاوه بر ماده ۳۰۱ در بند ۱۱ ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر شده چنانچه سارق پدر مال باخته باشد حد سرقت بر او جاری نخواهد شد. معذک از لحاظ دست آوردهای علم جرم شناسی ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی در ردیف قوانین جرم زا قرار گرفته و وجود آن عاملی است که دست پدران را در قتل فرزندان باز گذاشته و بدین ترتیب پدران مرتکب فرزند کشی بدون ترس از مجازات شدید یا سنگینی که برای قتل عمد در قانون مورد پیش بینی قرار گرفته راحت تر دست به ارتکاب چنین جنایتی می زنند.

قانون گذار ما برخلاف بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک که خود نیز بدان ملحق شده و تضمین داده که حداکثر امکانات را برای بقاء کودکان تضمین نماید هنوز راهکاری برای حذف یا اصلاح ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی ارائه نکرده و در قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵ نیز نصی در باره فرزند کشی مورد پیش بینی قرار نداده است و تنها در ماده ۲ آن هر نوع آزار و اذیت کودکان و نوجوانان را که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی یا اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع اعلام و به موجب ماده ۴ آن برای مرتکب مجازات حبس از ۳ ماه و ۱ روز تا ۶ ماه و جزای نقدی تا ده میلیون ریال را مورد پیش بینی قرار داده که در هر حال نمی تواند مانعی بر سر راه بزه فرزند کشی باشد.

بعلاوه تلاش برای افزایش سلامت روانی و بهداشت روانی مردم به طرق مقتضی و تلاش در جهت بهبود وضعیت معیشتی آنان نیز می‌تواند اقدام موثری در جهت پیشگیری از وقوع فرزند کشی باشد با این حال نمیتوان صرف تصویب قوانین پیشگیرانه و اقدامات پیشگیرانه را کافی دانست. تصویب قوانین باز دارنده و جرم انگاری خاص در خصوص فرزند کشی نیز ضروری است تا بدین واسطه پدرانی که قصد کشتن فرزند خویش را دارند و ترس از عواقب عمل ارتكابی خویش از ارتكاب این عمل صرف نظر نمایند ناگفته نباید گذاشت که وقتی پدری به فرزند خود که عزیز ترین موجود زندگیش می باشد رحم نکرده و در کمال قساوت او را به قتل می رساند فردی خطرناک است و نمی‌توان انتظار داشت که به فرزندان دیگران که نسبتی به آنان ندارد رحم کند و لذا برای صیانت از جامعه و حفظ نظم و امنیت عمومی تشدید برخورد با پدران فرزند کش ضروری است و بر قانون گذار فرض است که هر چه زودتر اقداماتی را در این زمینه به انجام رساند. به‌عنوان مثال تصویب حبس ابد برای مجازات این گونه افراد لازم و ضروری می باشد.

### فهرست منابع

۱. خسروشاهی، قدرت الله، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰
۲. خوئی ابوالقاسم، مبانی تکلمه المنهاج (ترجمه علیرضا سعید)، نشر علوم اسلامی، ج ۱، چ ۴، ۱۴۰۵.
۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ دانشگاه تهران، [2T] جلد ۲۹، چ ۶، ۱۳۴۶.
۴. رحیمی، علی اکبر، نقش قصاص در تامین عدالت کیفری، چ ۳، ۱۳۷۹.
۵. رهبر محمدتقی، قصاص رمز زندگی، ناشر واحد تحقیقات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۰.
۶. زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، انتشارات ققنوس، چاپ هشتم، ۱۳۹۴.
۷. سروستانی، ابراهیم شفیعی فقه و قانون گذاری قم: موسسه فرهنگی طه، چاپ ششم، ۱۳۸۱
۸. شامبیاتی، هوشنگ؛ حقوق کیفری اختصاصی/ تهران، انتشارات ژوبین، ج اول، چاپ ششم، ۱۳۸۰.
۹. شهابی، محمود، ادوار فقه، انتشارات دانشگاه تهران جلد دوم چاپ اول، ۱۳۴۵.
۱۰. صادقی، میر محمد، حقوق کیفری ۱ (جرایم علیه اشخاص) انتشارات میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۲.
۱۱. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تابستان چاپ سوم ۱۳۷۳.
۱۲. قربانی، زین العابدین، اسلام و حقوق بشر، تهران، کتاب خانه صدرا، چ ۳، ۱۳۸۹.
۱۳. قیاسی، جلال الدین مبانی سیاست مبنای حکومت اسلام، ناشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۴، ۱۳۸۹.
۱۴. محمودی، عباسعلی، حقوق جزای اسلام، انتشارات نهضت زنان مسلمان، جلد اول چاپ اول ۱۳۵۹.
۱۵. مظلومان، رضا، جرم‌شناسی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ج ۲، چ ۴، ۱۳۸۰.
۱۶. اشرفی احمد، مبانی عدالت ترمیمی در فقه جزایی امامیه، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد دامغان ۱۳۸۷.